نکوداشت شکرخواه

آیین بزرگداشت پیش‌کسوت مشهدیِ روزنامه‌نگاری در پایتخت برگزار شد

گزارش

آیین بزرگداشت یونس شکرخواه، روزنامه‌نگار پیش‌کسوت که به‌تازگی بازنشسته شده است، با حضور جمعی از دوستان و همکاران قدیمی‌اش برگزار شد. او در این مراسم تأکید کرد نسلی که به آن تعلق دارد، هیچ‌گاه بازنشسته نمی‌شود.
بر پایه گزارشی که روز گذشته ایسنا منتشر کرد، آیین بزرگداشت یونس شکرخواه به پاس ۳۰سال تلاش رسانه‌ای، روز سه‌شنبه، ۱۶مهرماه، با حضور جمعی از اهالی رسانه و قلم و استادان حوزه علوم ارتباطات در فرهنگ‌سرای رسانه برگزار شد.
در این برنامه برخی از حاضران به بیان خاطرات و دیدگاه‌های خود درباره پدر روزنامه‌نگاری نوین ایران پرداختند. قرائت پیام وزیر به این مراسم و تقدیم هدایا به فعال باسابقه رسانه‌های کشور از بخش‌های دیگر این برنامه بود.

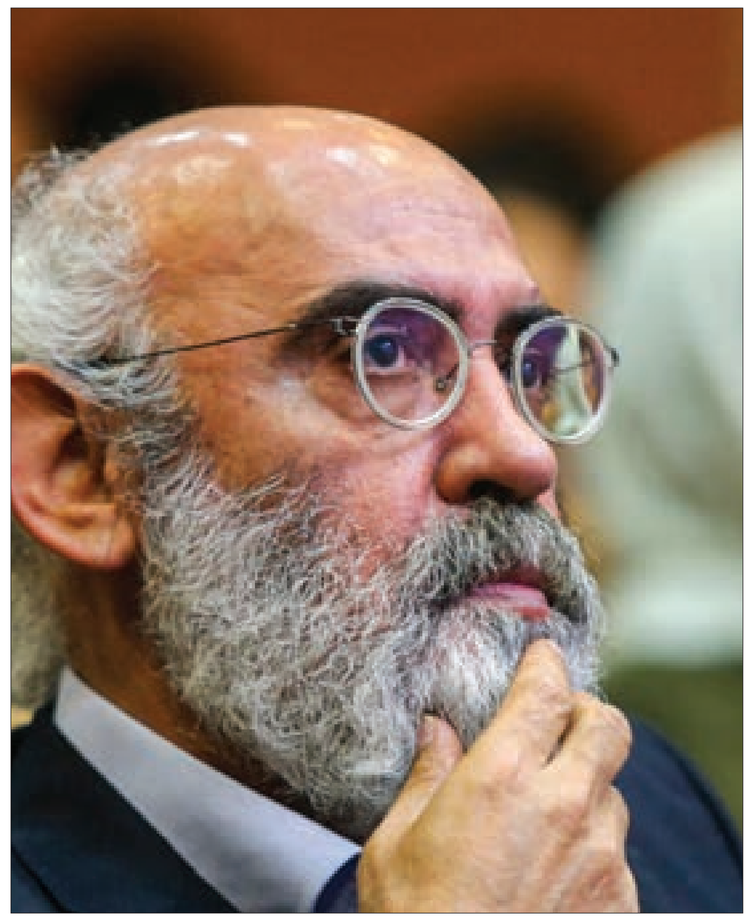

عکس: ایسنا

سجایای اخلاقی پیش‌کسوت رسانه

در آغاز این مراسم، مهدی محمدی، رئیس فرهنگ‌سرای رسانه و شبکه‌های اجتماعی، پیشنهاد داد یکی از سالن‌های این فرهنگ‌سرا به نام یونس شکرخواه تغییر کند.
سپس حجت‌الاسلام سیدسعیدرضا عاملی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، شکل گرفتن فرهنگ در جوامع را در پرتو ارتباطات شدنی دانست. او در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به روزنامه‌نگاری هوشمند و با بیان اینکه «آقای شکرخواه پایه‌گذار روزنامه‌نگاری برخط در ایران هستند»، یادآور شد: در ادامه روزنامه‌نگاری برخط، ما امروز که هوش مصنوعی در دنیا قدرت پیدا کرده است، در حال رسیدن به روزنامه‌نگاری هوشمند هستیم.
دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، هوش مصنوعی را در پی تکرار حرف و رفتار انسان و حرکت آن را در مسیر فکر و عمل منطقی دانست و گفت: در این میان ما در حوزه روزنامه‌نگاری با حضور افرادی همچون آقای شکرخواه به‌صورت تدریجی به سمت روزنامه‌نگاری هوشمند حرکت کرده‌ایم.
عاملی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی یونس شکرخواه، او را دوستی خیلی مهربان وصف کرد که مهم‌ترین نکته درباره او اخلاق‌مداری و پایداری‌اش در رفاقت است. این سخنران ادامه داد: او رفیق تلخ و شیرین است، نه رفیقی که به اقتضای زمانه یا خیلی نزدیک یا خیلی دور می‌شود. این وجه اخلاقی آقای شکرخواه، کیفیت ارتباطات را برای ایشان فراهم کرده است.
رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران با بیان اینکه «آقای شکرخواه هیچ‌گاه آبروی کسی را نبرده است»، یادآور شد: او همواره بر درست‌نویسی، راست‌نویسی و اینکه هر راست نشاید گفت، تأکید کرده است.

حرف‌های ناصوابی علیه روزنامه‌نگاری می‌زنند

همچنین سیدفرید قاسمی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران و از دوستان قدیمی یونس شکرخواه، در سخنانی بیان کرد: روزنامه‌نگاری ایران یک حرفه مظلوم است و این مظلومیت متعلق به امروز و دیروز نیست و از همان سرآغاز مظلوم بود. اولین روزنامه‌نگار ایران، ۱۸ سال در صف یک‌نفره صدور مجوز بود و بعد هم که موفق به انتشار شد، ۳سال کار مطبوعاتی کرد و به او گفتند شغل دیگری برای تو سراغ داریم و روزنامه‌اش را تعطیل کردند. او را از مدیرمسئولی «سخن امروز» برکنار کردند و به او سمت مسئول وصول مطالبات شهرداری تهران را دادند.
قاسمی که حافظه گویای مطبوعات ایران شناخته می‌شود، ادامه داد: حتی روزی که فرهنگستان و دانشگاه در این کشور نبود، بار فرهنگی را روزنامه‌نگاری به دوش می‌کشید. زمانی که اصلا در ایران شیوه نگارش فارسی نبود، این روزنامه‌نگاران بودند که اولین شیوه‌نامه را نوشتند. از اهل جهل هیچ توقعی نیست، اهل علم هم برای اینکه خودشان را متمایز کنند، به روزنامه‌نگاری نگاه نادرستی دارند. استادی در دانشگاه نشسته، لغت‌نامه دهخدا در دست دارد و دایره‌المعارف فارسی هم پشت سرش قرار دارد و علیه روزنامه‌نگاری صحبت می‌کند؛ اما با خودش نمی‌گوید این لغت‌نامه محصول سردبیر روزنامه «صور اسرافیل» و آن دایره‌المعارف محصول سردبیر روزنامه «برق» است.
این پژوهشگر خاطرنشان کرد: امروز هم می‌بینیم درباره روزنامه‌نگاری حرف‌های ناصواب زیادی زده می‌شود. بسیاری از عزیزانی که در این حوزه بودند و رفتند، یا به حوزه‌های دیگر پرتاب شدند، هیچ علاقه‌ای نداشتند که از روزنامه‌نگاری جدا شوند؛ اما زمینه و زمانه‌ای برای ادامه نمی‌دیدند و برای همین هم حرفه خودشان را تغییر دادند.
او گفت: ما نمی‌توانیم از دره بین‌نسلی حرف بزنیم و به‌راحتی سرمایه‌های روزنامه‌نگاری را از دست بدهیم. به نظر من امروز مشکل روزنامه‌نگاری ایران دفن تجربه‌هاست. ما باید به فکر باشیم که این تجارب دفن نشود. اگر به من بگویند مشکل امروز روزنامه‌نگاری چیست، فهرستی تهیه می‌کنم و در ابتدای آن می‌نویسم تهی شدن تحریریه‌ها از صدیقی‌ها، قاضی‌زاده‌ها، شکرخواه‌ها و تلاش نمکدوست‌ها برای اینکه مفری برای بازنشستگی پیدا کنند.

یونس شکرخواه؛ انصاف، دانایی و ادب

در ادامه، سیدمحمود دعایی، مدیر مسئول روزنامه «اطلاعات»، نیز در سخنانی از تجربه دوستی و همکاری با یونس شکرخواه گفت: زمانی که برای اولین‌بار به روزنامه «اطلاعات» رفتم، عناصر فرهیخته بسیاری بودند که دستم را گرفتند و آقای شکرخواه یکی از آن عناصر و برایم قوت قلب بود. او آگاهی زیادی به ما داد و مهم‌تر اینکه با مشی خود برای ما سرمشق بود. همچنین انصاف، دانایی و ادب از مهم‌ترین ویژگی‌های شکرخواه است.

روزنامه‌نگاری که دانش و منش را پیوند زد

محسن اسماعیلی، نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان رهبری و دیگر سخنران برنامه، هم اظهار کرد: ایشان را به ۲ویژگی می‌ستایند؛ یکی دانش برتری که دارند و اینکه از شناخته‌شده‌ترین استادان دانش ارتباطات هستند. دوم، منش و رفتار او. این فروتنی آشکار و بی‌ادعایی، کیمیای نایابی است و به‌رغم دانش و جایگاه علمی، همیشه می‌توان او را به صفت تشنگی برای فراگیری دانش بیشتر ستود. او همیشه خندان و خوش‌برخورد و صادق است. آقای شکرخواه بی‌نیش هست و همه نوش. در همه این سال‌ها ندیدم کسی از او رنجیده شود. به هر حال قلم دست گرفتن و زبان در کام چرخاندن، گاهی حتی ناخودآگاه می‌تواند کسانی را آزرده‌خاطر کند. عضو مجلس خبرگان رهبری یادآور شد که آنچه یونس شکرخواه را برای او بزرگ کرده است، دانش و منش نیست؛ بلکه جمع بین این دو است.

امتداد حروف چاپی به روزنامه‌نگاری آنلاین

در این برنامه، فرشاد مهدی‌پور، مدیرمسئول روزنامه «صبح نو»، یونس شکرخواه را امتداد بین چاپ و کاغذ و صفحه‌های حروف‌چینی‌شده قدیمی و روزنامه‌نگاری آنلاین در کشور وصف کرد و بیان کرد: می‌توانم به اعتبارِ تجربه شخصی بگویم که او را همیشه حافظ منافعِ ملی دیدم. یادم است که در یکی از مواقع حساس کنونی، می‌گفت من همیشه صبر می‌کنم ابرها کنار برود و بتوانم درست تصمیم بگیرم. این صبر و نگاه عاقلانه به پدیده‌ها و حفظ منافع ملی از مهم‌ترین صفت‌های اوست. او برای ما اهالی مشهد یکی از مفاخر مهم روزنامه‌نگاری به حساب می‌آید.

به جای گسست‌ها، روی پیوست‌ها حرکت کنیم

همچنین هادی خانیکی، روزنامه‌نگار پیش‌کسوت و استاد دانشگاه، با بیان اینکه همه ما با ویژگی‌های روزنامه‌نگاری آقای شکرخواه و وارد کردن مؤلفه‌ها و عناصر جدید به روزنامه‌نگاری آشنا هستیم، از قدرت جابه‌جایی او در موقعیت‌های مختلف یاد کرد و گفت: زمانی که در «کیهان» بودیم، یکی از مهم‌ترین کارها رابطه برقرار کردن میان عکس و متن بود که آقای شکرخواه این کار را انجام می‌داد.
خانیکی اظهار کرد: هیچ‌گاه یادم نمی‌آید آقای شکرخواه برای کسی بَد خواسته باشد. به نظر من جامعه و به‌طور خاص جامعه روزنامه‌نگاری نیازمند این‌چنین کسانی است که اعتقاد به تقویت همگرایی داشته باشند و به جای اینکه روی گسست‌ها حرکت کنند، بکوشند روی پیوست‌ها پیش بروند.

شکرخواه همیشه فرزند زمانه خود است

در این آیین، حسن نمکدوست‌تهرانی، روزنامه‌نگار پیش‌کسوت، از توهمی در جامعه یاد کرد مبنی بر اینکه روزنامه‌نگاران وقتی می‌خواهند واقعیتی را روایت کنند، آن را تنزل می‌دهند. او با رد این دیدگاه، خاطرنشان کرد که روزنامه‌نگاران، کنشگران فهم جهانِ روزمره هستند و بدون آن‌ها جهان روزمره فهم نمی‌شود: قطار جهان نمی‌ایستد که سال‌ها بعد از رویدادها جامعه‌شناس‌ها، فلاسفه و محققان مطالعه کنند و بگویند اتفاق چه بوده است! مردم که نمی‌توانند صبر کنند ۵۰سال بعد از کودتای ۲۸مرداد یا انقلاب ۵۷، تاریخ‌دان‌ها این وقایع را روایت کنند. ما دانشمندان زندگی روزمره هستیم و به همین اعتبار است که از جمله مهم‌ترین منابع اطلاعاتی در هر رشته‌ای، رسانه‌ها هستند. چرا محققان این‌قدر به کاغذهای شکسته و زردشده روزنامه‌ها در کتابخانه ملی و دانشگاه تهران مراجعه می‌کنند؟ اگر ما واقعیت را تنزل می‌دهیم، چرا همچنان مهم‌ترین منابع برای پژوهش هستیم؟
نمکدوست ادامه داد: مهم‌تر از همه اینکه ما شناخت روزمره را دموکراتیک می‌کنیم و می‌گوییم هر کسی می‌خواهد، می‌تواند از تلاش ما بهره ببرد و مانعی برای هیچ کسی قائل نمی‌شویم. در این میان عده‌ای دانشمند در این زمینه بیشتر و دقیق‌تر تلاش می‌کنند تا تعهد ما را به واقعیت بیشتر کنند. ماحصل کتاب «عناصر روزنامه‌نگاری» این است که مهم‌ترین ارزش روزنامه‌نگاری این است که خودش را وقف حقیقت کند. کسانی هستند که دانش نزدیک شدن روزنامه‌نگاران به حقیقت را عمق و بسط ببخشند و آن‌ها متخصصان ما هستند؛ کسانی که به ما می‌گویند خبر چیست و چه ویژگی‌هایی دارد.
این استاد روزنامه‌نگاری یادآور شد: وجه دانشمند بودن آقای شکرخواه نباید مغفول بماند. او دانشمندی است که با خبر سروکار دارد. پیش‌تر هم گفته بودم که در حوزه خبر آقای شکرخواه دماوند هستند و دیگرانی همانند من، تپه‌های عباس‌آباد. ما احتیاج داریم که این دانش و روایت‌های روزنامه‌نگارانه در سطح جامعه جاری شود. امروز یکی از معضلات ما این است که خبر در فرایندهای طبیعی خود در سطح جامعه جریان پیدا نمی‌کند.
نمکدوست در بخشی دیگر از صحبت‌هایش شکرخواه را روزنامه‌نگاری برشمرد که همیشه فرزند زمانه خود بوده است.

دست نیاز معاون وزیر به سوی استادان روزنامه‌نگاری

محمد خدادی، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در سخنانی کوتاه اظهار کرد: جامعه مطبوعاتی ایران جامعه‌ای قدیمی، غنی و صمیمی است. درست است که ما به لحاظ کمی رسانه را در ایران گسترش داده‌ایم، ولی باور کنید به همین میزان جریان روزنامه‌نگاری کشور عمیق نیز هست. وظیفه ما شاگردی شما استادان است و اینکه از دل شما، خواسته‌ها و نیازها را پیاده و برای شما برآورده کنیم. این مراسم نیز به نمایندگی جامعه رسانه‌ای کشور برای آقای شکرخواه برگزار شده است. ما یکی هستیم. باور کنید ایران امروز محصول اقتدار همبستگی است. ما امروز در روزهای حساسی به سر می‌بریم و همین روزها آینده کشور را ترسیم می‌کند و قدرت کشور ما در افکار عمومی است که به اقتدار و همبستگی می‌انجامد.
معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد تأکید کرد که در واقع جامعه رسانه‌ای ما به یک سه‌ضلعی اخلاق، مهارت و دانش نیاز دارد. او افزود: من به رسانه‌ها این انتقاد را دارم که برای همه می‌نویسند جز خودشان.

هنوز هم مستأجرم

سرانجام نوبت به خود یونس شکرخواه رسید که در آغاز خاطراتی از همکاران قدیمی‌اش تعریف کرد. او سپس گفت: از نظر مهر و محبت که دوستان اشاره کردند، حاصل جمع همین کسانی هستم که صحبت کردند. من مهربانی را از مهدی فرقانی، ذکاوت و سرسختی را از خانیکی، تکنیک را از فریدون صدیقی و آرامش را از منصور سعدی و بزرگ‌منشی را از آقای دعایی یاد گرفتم.
شکرخواه ضمن صحبت‌هایش با بغض از مشکلات روزنامه‌نگاران یاد کرد: هیچ‌یک از ما وابستگی به مقام نداریم. من هنوز هم مستأجرم و شجاعانه می‌گویم که در برابر صدها فرصت قرار گرفتم که خانه و خودرو بگیرم، اما یاد گرفته بودم پاکتی را که درونش دیده نشود، دستم نگیرم.
این روزنامه‌نگار پیش‌کسوت یادآور شد: نسل ما نسل حاصل جمع است و قدر هم را می‌دانیم. ما معلم‌هایی هستیم که هم‌کلاس داریم، نه شاگرد، و هر لحظه می‌توانیم از هم بیاموزیم. ما نسل حاصل جمع هستیم و این‌جوری از دست رفتیم یا از دست‌داده شدیم. برای ما انتقال قدرتی در کار نیست. این را بدانید که ما بازنشسته نمی‌شویم. سازمان‌ها اگر نمی‌خواهند، ما خودمان می‌توانیم تجربیاتمان را مدون کنیم و سر کلاس‌هایمان حرف بزنیم. ما بازنشسته نمی‌شویم؛ آموختیم روزنامه‌نگاری ما را می‌کشد، مگر آنکه با آن زندگی کنی.

نیستان

پایان یک قرن زندگی

علی اصغر آذری، کهن‌سال‌ترین روزنامه‌نگار ایران درگذشت

رضا سلیمان‌نوری| ۲روز پیش به هنگام بررسی روزنامه‌های قدیمی خانه چشمم به نسخه‌هایی از نشریه «هوشیار» مشهد و یادداشت‌هایی افتاد که قدیمی‌ترین روزنامه‌نگار زنده ایران در آن قلمی کرده بود. یادداشت‌هایی که در ذهن من دیدارهای چندی را زنده کرد که با این کهنه‌سوار عرصه رسانه کشور در محدوده زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ داشتم. دیدارهایی که در آن‌ها بسیار بسیار آموختم و نادانسته‌های بسیاری را از گذشته مطبوعات مشهد دانستم. این باززنده‌سازی خاطرات باعث شد تا با منزل او تماس بگیرم، اما تعداد زنگ‌های پرشمار و نیامدن پاسخ از آن سوی خط را به سبب گرفتاری‌های ذهنی دیگر، حمل بر آن کردم که حتما او در خانه نیست و علت دیگری ندارد؛ برداشتی که عصر دیروز با تماس یک شهروند با روزنامه فهمیدم بسیار اشتباه بوده است. تماسی شوم که خبر داد دیگر نه من و نه هیچ فرد دیگری نمی‌توانیم از گفته‌های قدیمی‌ترین خبرنگار فعال ایران فیض ببریم؛ آخر درست در همان ساعاتی که من به خواندن زندگی‌نامه خودنوشت او در نشریه هوشیار مشغول بودم، او با این دنیای دون خداحافظی می‌کرد و به سوی یکتای هستی‌بخش رهسپار بود. آری، علی‌اصغر آذری، کهنه‌سوار خطه خبر، دیگر در میان ما نیست و پس از ۹۵سال زندگی به دیدار معبود روانه شده است. او از این ۹۵سال، ۷۱سالش را به خبرنگاری و روزنامه‌نگاری و یادداشت‌نویسی برای مطبوعات گذرانده است. اولین کارش نوشته‌ای در نشریه پرخاش به سال ۱۳۲۴ بود و آخرین مطلب مطبوعاتی مربوط به او هم گفت‌وگویی با شهرآرا در مرداد امسال بود که این‌بار در هیئت سوژه، مقابل خبرنگاران جوان نشسته و از زندگی‌اش گفته بود. گفت‌وگویی که با حاشیه‌های بسیار همراه بود؛ زیرا زندگی او پس از درگذشت همسرش در اوایل سال ۱۳۹۶ به نحوی پیش رفته بود که شرایطش هر بیننده‌ای را دچار بهت و اندوه می‌کرد. این اندوه البته فقط در دل اهل رسانه -به‌ویژه آن‌هایی که در آن گفت‌وگو شرکت کردند و از نزدیک وضعیت زندگی پیرمرد را دیدند- هنوز هم زنده است و دل و اندیشه مسئولانی را که پس از انتشار مصاحبه در روز خبرنگار امسال با وضعیت نابسامان او آشنا شدند، تنها لحظاتی به خود مشغول کرد؛ لحظاتی که وعده‌هایی بدهند و بروند. مسئولانی که هم ارشادی در جمع آن‌ها بود و هم شهرداری‌چی. ارشادی‌اش قول داد تا در اسرع وقت به مشکلات زندگی شخصی او ورود کند و گرامی‌اش دارد و شهرداری‌چی‌اش وعده داد شرایط زندگی «یگانه کهنه‌سوار رسانه‌های کشور» را التیام بخشد و حتی کوچه‌ای را به نامش کند. اما این همه فقط قول و وعده بود و بس.

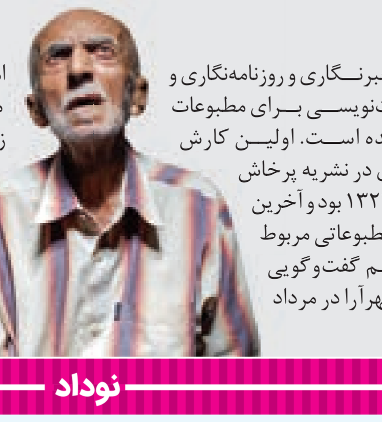

و حال دیگر علی‌اصغر آذری، این قدیمی‌ترین روزنامه‌نگار زنده کشور، زنده نیست تا کسی از مسئولان بپرسد که چرا آن قول و وعده‌ها را عملی نکردید. بگذریم که هرچه بر این زخم ناسور بیشتر فشار آوریم، خون و چرک‌ابه بیشتر فوران می‌کند. زخمی که عاقبت همه ما اهل رسانه است، اگر یاور هم نباشیم. پس امروز صبح ساعت ۹:۳۰ به صحن آزادی بیاییم و زیر تابوت مرحوم علی‌اصغر آذری را بگیریم و برایش نماز میت بخوانیم تا شاید بدین‌گونه کمی از قصور خود را جبران کرده باشیم.

نوداد

کاروان قلم در مسیر کربلا

حضور هنرمندان و اهالی ادب و فرهنگ در فعالیت‌های مذهبی امری است که هر از گاهی در رسانه‌ها بازتاب پیدا می‌کند تا اثبات شود جایگاه مسائل اعتقادی همچنان در میان اهالی فرهنگ جایگاهی ویژه است. در تازه‌ترین این رویدادها، تسنیم خبر داده است که کاروان هشتادنفره شاعران و نویسندگان ایرانی برای زیارت عتبات عالیات در ایام اربعین راهی کشور عراق خواهد شد. این کاروان برای سومین سال متوالی با هماهنگی حوزه هنری و با همراهی سازمان تبلیغات اسلامی عازم سفر زیارتی اربعین حسینی(ع) خواهد شد. محمدرضا وحیدزاده، مسئول فرهنگی این کاروان، در گفت‌وگو با خبرگزاری مزبور، یادآور شده است که برای نخستین بار امسال این کاروان پذیرای بانوان شاعر و نویسنده نیز خواهد بود تا در مجموع شامل ۴۰ شاعر و نویسنده زن و ۴۰ نویسنده و شاعر مرد باشد.
بر پایه این خبر، در این کاروان شاعرانی چون حجت‌الاسلام انصاری‌نژاد، حجت‌الاسلام جواد محمدزمانی، عباس احمدی، مهدی جهاندار، مهدی زارعی، مبین اردستانی و مصطفی محدثی خراسانی و نیز نویسندگانی مانند علی‌اصغر عزتی‌پاک، ابراهیم اکبری دیزگاه، مهدی کرد فیروزجایی و حامد جلالی و نیز بانوان شاعری چون فاطمه نانی‌زاد و عالیه مهرابی حضور دارند.
وحیدزاده همچنین از برپایی مراسم مختلف شعرخوانی و روایتگری در مسیر راهپیمایی و شهرهای کربلا و نجف گفته است.
این کاروان امروز چهارشنبه ۱۷ مهرماه عازم عتبات عالیات خواهد شد و پنجشنبه ۲۵ مهرماه به کشور باز خواهد گشت.

تجلیل از عاشورایی‌های ماندگار

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از هنرمندانی که درباره واقعه عاشورا اثری ماندگار و شاخص خلق کرده‌اند در آیین «چله عشق» تجلیل می‌کند. این آیین با هدف گرامیداشت اسناد هنرمندانی که طی ۱۰۰ سال اخیر در حوزه واقعه عاشورا آثار ماندگاری خلق کرده‌اند، برگزار خواهد شد و در آن از خالقان ۴۰ اثر برجسته در زمینه تألیف و پژوهش، هنرهای تجسمی و ترسیمی، هنرهای دراماتیک، موسیقی و ادبیات تجلیل می‌شود. از جمله ۴۰ هنرمند مدنظر می‌توان به محمود فرشچیان، خالق آثار متعددی از جمله تابلو «عصر عاشورا»، و بهرام بیضایی، نویسنده فیلم‌نامه «روز واقعه»، اشاره کرد. آیین «چله عشق» که به همت سازمان اسناد و کتابخانه ملی تدارک دیده شده است، ۲۹ مهرماه ۱۳۹۸ همزمان با ۲۲ ماه صفر در تالار قلم مرکز همایش‌های این سازمان برگزار خواهد شد.
محمود فرشچیان چهارم بهمن ۱۳۰۸ در اصفهان زاده شده است و از مطرح‌ترین نقاشان معاصر ایران است. او را با مکتبی در نقاشی ایرانی می‌شناسند که گفته می‌شود پایه‌اش را خودش گذاشته است. او در آثار مشهور نگارگری خود ضمن پایبندی به شکل کلاسیک از تکنیک‌های جدید نیز بهره می‌برد.
بهرام بیضایی نیز پنجم دی‌ماه ۱۳۱۷ در تهران به دنیا آمده است و افزون بر نویسندگی نمایشنامه‌ها و فیلم‌نامه‌ها و آثار پژوهشی، کارگردان برجسته‌ای در عرصه سینما و تئاتر به شمار می‌آید.
این ۲ هنرمند فراتر از مرزهای ایران شناخته‌شده‌اند.

نمایشگاهی از آثار و اموال «سلینجر»

کتابخانه عمومی نیویورک مجموعه‌ای از آثار ادبی و اموال شخصی «جی‌دی سلینجر» را به مدت ۳ ماه به نمایش می‌گذارد. ایسنا دراین‌باره گزارشی به نقل از گاردین منتشر کرده است و نمایشگاه یادشده را دربردارنده مجموعه‌ای از اموال شخصی و آثار ادبی این نویسنده، از نسخه اصلی تایپ‌شده «ناتور دشت» تا قفسه‌ای از کتاب‌های کتابخانه شخصی او، معرفی کرده‌است. این نمایشگاه که به همت پسر و همسر سلینجر برگزار می‌شود از هجدهم اکتبر آغاز به کار می‌کند. عکس‌هایی از دوران کودکی، جوانی و میان‌سالی این نویسنده، مکاتبات میان «سلینجر» و برخی از دوستان و نویسندگان هم‌دوره‌اش همچون «ارنست همینگوی»، برخی توصیف‌های منتشرنشده سلینجر از خودش، لوازم دوران کودکی او از جمله کاسه‌ای که در ده‌سالگی در یک کمپ تابستانی ساخت، سپس تمام عمر از آن نگهداری کرد، دفترهای یادداشت، پاسپورت، پیپ، عینک و ساعت‌مچی از جمله آثاری هستند که در این نمایشگاه به نمایش گذاشته می‌شوند. «جروم دیوید سلینجر» متولد اول ژانویه ۱۹۱۹ در منهتن نیویورک، با انتشار رمان «ناتور دشت» در سال ۱۹۵۱ و به فروش رساندن میلیون‌ها نسخه از آن به شهرت جهانی رسید. هرچند موفقیت این رمان موجب شهرت فراوان «سلینجر» شد، او با گوشه‌نشینی، از مردم دوری می‌کرد و به ندرت داستان یا کتابی منتشر می‌ساخت. مجموعه «۹ داستان»، «فرنی و زویی»، «تیرهای سقف را بالا بگذارید نجاران» از آثار اویند. بنیاد «سلینجر» در ماه فوریه نیز اعلام کرد قرار است مجموعه‌ای از آثار چاپ‌نشده این نویسنده فقید را برای نخستین‌بار منتشر کند.

تئاتر مشهد صدای واحدی ندارد

برگزاری میزگرد شهرآرا با حضور هنرمندان تئاتر مشهد که درپی راه‌حلی برای رفع مشکلاتشان هستند

عکس تزئینی است

میزگرد

غلامرضا زوزنی| **چند سالی است که اوضاع تئاتر مشهد خوب شده است. صحنه تئاتر پررونق است و تئاتری‌ها برای خودشان برووبیایی دارند. به‌ندرت سالن‌های تئاتر مشهد خالی است و شبی نیست که تئاتر در مشهد اجرا نداشته باشد، با این حال اتفاقات یک سال گذشته هنرهای نمایشی مشهد پرفرازونشیب بوده است. طی یک سال اخیر شاهد به نفس‌نفس افتادن سالن‌های تئاتر بودیم و از طرفی هم ضعف مدیریت در انجمن هنرهای نمایشی را دیدیم که باعث شد دو تن از اعضای هیئت‌مدیره آن انجمن استعفا کنند. با اینکه سالن‌های تازه‌ای افتتاح می‌شود، سالن‌های خصوصی تعطیل شده‌اند و سالن‌های قدیمی هم نیاز به بازسازی دارند، با همه این احوال، شاید اوضاع تئاتر به خوبی سال‌های قبل نباشد اما همچنان پیش می‌رود.**
در این برووبیای تئاتر و فروش گیشه‌اش، بدیهی است خیلی‌ها که سروسرّی با تئاتر ندارند، طمع کنند و بخواهند در روزگاری که بازار نمایش و هنرهای نمایشی سکه است، جایی برای خود باز کنند. این می‌شود که صدای دلسوزهای تئاتر بلند می‌شود و به اجرای تئاترهایی که با اصالت تئاتر و هنرهای نمایشی همخوانی ندارد، اعتراض می‌کنند.
بر همین اساس، حمیدرضا سهیلی، عضو شورای بازبینی تئاتر، احمد مینایی، نویسنده، کارگردان، بازیگر، صداپیشه و مدرس پیش‌کسوت تئاتر، سیدمحمد مداح‌حسینی، پژوهشگر و مدرس تئاتر و امیرحسین غفاری، طراح گریم، را در فرصتی مغتنم در روزنامه شهرآرا گردهم جمع کردیم و با آن‌ها درباره لازمه‌ها و آسیب‌های تئاتر در مشهد، گپ زدیم. بحث از سالن‌های تئاتر در مشهد شروع شد و تا لزوم ایجاد دژی دور آن با عنوان خانه تئاتر ادامه پیدا کرد. حاضران در این میزگرد از خانه تئاتر به عنوان صنفی که می‌تواند پیگیری‌های حقوقی، رفاهی و صنفی هنرمندان را در دستورکار خود قرار دهد نام بردند. هرچند که کارشناسان باور دارند خانه تئاتر در مشهد باید بودجه، قدرت و قوت داشته باشد، بعید است صنفی که هنرمندان حاضر در این میزگرد به‌دنبال ایجاد آن هستند، بتواند بدون پشتوانه، کاری از پیش ببرد. از طرفی بعضی دیگر از کارشناسان می‌گویند تئاتر تا وقتی صنفی نداشته باشد، هنری مبتدی است.

ما هنرمندها پشت هم را نداریم

سالن‌های نمایش مشهد از نظر تعداد و کیفیت در چه وضعیتی هستند؟ همچنین به‌تازگی شاهد راه‌اندازی یک سالن سه‌سویه تئاتر در مشهد بوده‌ایم که هنوز کسی از آن نمایشی ندیده است!
سهیلی: آن سالن سه‌سویه‌ای را که می‌گویید، هنوز کسی به رسمیت نشناخته است. کسی هم رغبت ندارد در آن تئاتر اجرا کند. فکر می‌کنم اجازه هم نمی‌دهند در آن نمایش اجرا شود. مشکلش را باید ارشاد رفع کند. از طرف دیگر هر سالنی که تاسیس می‌شود، به سود تئاتر است؛ چراکه در سال، تعداد زیادی نمایش بازبینی می‌شود و تعداد زیادی مجوز اجرا می‌گیرد ولی برای اجرا سالن ندارند و باید منتظر سالن بمانند. اداره ارشاد باید فکری به حال این سالن‌ها بکند. سالن تئاتر مستقل، چند سالی است راه‌اندازی شده و برای راه‌اندازی آن هزینه شده است؛ حالا که می‌خواهد به سوددهی برسد، مالک گفت سالن را خالی کنید(!) و هیچ جایی هم نیست که به این مسئله رسیدگی کند. باتوجه‌به ورود علاقه‌مندان به هنر تئاتر، در مشهد سالن کم داریم.
به‌نظر می‌رسد این فضا و این نبود امنیت شغلی برای سالن‌های تئاتر و برای هنری که تازه سر بلند کرده است و می‌خواهد روی پای خودش بایستد، آسیب‌زننده باشد.
مینایی: به نظر من بخش بزرگی از صحنه‌هایی که برای نمایش درست شده است، اصول امنیتی را ندارد. اصلا فضای پذیرفته‌شده‌ای برای کار نمایش ندارد. تمام پیشرفت تئاتر به‌خاطر حضور هنرمندانی است که به‌دلیل علایق شخصی خود «بلک‌باکس»هایی را ایجاد کرده‌اند اما طبیعی است تماشاچی که به این فضاها مراجعه می‌کند، با شرایط مناسبی روبه‌رو نیست؛ درنتیجه رفته‌رفته آن عشقی که برای تماشای نمایش وجود دارد، در دل تماشاچی خاموش می‌شود. قطعا بخش خصوصی نمی‌تواند همه این نیازها را پاسخ بدهد، توانش را ندارد. انجمن و اداره ارشاد هم کمکی در این زمینه نمی‌کنند. درنتیجه تئاتر کم‌رنگ می‌شود. هم‌اکنون بیش از ۹۰ گروه نمایشی در مشهد درحال فعالیت هستند، برای این تعداد چند تا سالن نیاز داریم؟ خدا نکند روزی بیاید که همین چند سالنی که خودجوش ایجاد شده‌اند، هم کنار بکشند. این بخش‌ها اگر کنار بروند، سالن‌هایی ایجاد می‌شوند که فعالیت زیرزمینی می‌کنند و ایجاد این سالن‌ها تبعات خودش را دارد. در این سالن‌ها دیگر نگاه تئاتری وجود نخواهد داشت. سرتاسر خیابان شاهنامه و تمام باغ‌سراها به سالن جنگ‌های زیرزمینی تبدیل شده است. کاش طوری مدیریت می‌شد که اگر کسی علاقه داشت بلک‌باکس بزند، به وضعیتی که پردیس تئاتر مستقل دچار شده است، دچار نشود. این پردیس بعد از سال‌ها فعالیت و جذب مخاطب، جمع شد. الگوی هنر نمایش، الگویی است که باید همه دست‌اندرکاران دست‌به‌دست هم بدهند تا کارها روی روال بیفتد. ما هنرمندها هم پشت هم را نداریم. هرکدام راه خودمان را می‌رویم و این ناهماهنگی باعث شده است کسی به ما کمک نکند. اگر همین تعداد سالن هم در مشهد تعطیل شود، باید فاتحه تئاتر را در این شهر خواند. باید فکری به حال خیل علاقه‌مندانی که می‌خواهند به تئاتر ورود کنند، بشود. این وضعیت باعث شده است هر کسی که یک جلسه، سر تمرین یک تئاتر رفته یا در یک تئاتر بازی کرده است، به خودش اجازه دهد کارگردانی کند یا حرفه‌های جدی تئاتر را دنبال کند.

هرکسی ساز خودش را می‌زند

مداح حسینی: گمان می‌کنم مشکلات تئاتر را باید در دو سو جست؛ سوی اول همان‌طور که دوستان گفتند، سالن است. وقتی سالن نداشته باشیم، تئاتر هم نداریم. در مقالات علمی این موضوع بررسی شده است و به این نتیجه رسیده‌اند که در دنیا، کشورهایی تئاتر موفق و بهتری داشته‌اند که دولت‌هایشان از آن‌ها حمایت کرده‌اند. این حمایت هم به‌طور مستقیم نبوده است و اینکه دولت، مستقیم بودجه تزریق کند؛ به‌وجود آوردن تسهیلات و فضا و حذف مالیات، ازجمله این حمایت‌هاست. عملا اینجا حمایتی وجود ندارد. اگر دولت مکانی را برای راه‌اندازی بلک‌باکس به هنرمندان اجاره بدهد، دیگر به مشکلاتی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، برنخواهیم خورد.
مشکلاتی که در تئاتر هست، انزوا و رخوت جامعه تئاتر است. اهالی این جامعه به‌جای اینکه خواسته‌های خود را مطالبه و برای رسیدن به آن تلاش کنند، منزوی شده‌اند؛ البته این شرایط، حاصل وضعیت جامعه است اما آن‌ها به‌جای اینکه به‌دنبال ایجاد شرایط بهنجار باشند، دنبال وفق دادن خود با شرایط نابهنجارند. همیشه شاهد بوده‌ایم به‌جای اینکه یک صنف هنری دنبال کار تئاتر را بگیرد، هر کسی ساز خودش را زده‌است. ما در تئاتر صنف نداریم و تا زمانی که این صنف شکل نگیرد، تئاتر ما آماتور است. زمانی هم که تئاتر آماتور باشد، نمی‌توانیم توقع داشته باشیم با تغییر مدیریت‌ها، اتفاق شگفتی بیفتد. باید زیرساخت‌ها شکل بگیرد تا تئاتر حرفه‌ای شود.
شهرآرا: البته این نقد نیز به جامعه هنری -حالا می‌خواهد جامعه تئاتر باشد یا جای دیگر- وارد است که هر گروهی خودش به‌سراغ مسئولان می‌رود تا مشکل خودش را حل کند. کسی به این فکر نیست که کاری کند تا مشکلات جامعه اطرافش رفع شود. منظورم این است که هنرمندان نزد مسئولان، توقعات جامعه هنری را به خواسته‌های خود کاهش داده‌اند. انگار با هم متحد نیستند؟
مینایی: دلیلش آن است که ما کار نمایش را عملیاتی نکرده‌ایم. هر کسی منیت دارد. همان که آقای مداح‌حسینی گفت؛ ما به صنف نیاز داریم. یکی به‌خاطر شرایطی که دارد، موفق می‌شود با مسئولی حرف بزند اما کس دیگری هم هست که نمی‌تواند حتی وارد اتاق آن مسئول شود.

آیا دلیل این موضوع، نبود صنفی کارآمد در تئاتر است؟
مداح حسینی: یک مثال ساده می‌زنم؛ وقتی یک کارگر با کارفرمایش به مشکل برمی‌خورد، راحت می‌تواند به مشکلش رسیدگی کند. منظورم این است که مرجعی برای پیگیری مشکلش وجود دارد اما مثلا وقتی یک بازیگر تئاتر با کارگردانش یا مثلا یک طراح صحنه با تهیه‌کننده‌اش به مشکل برمی‌خورد، به کجا باید مراجعه کند؟ چه کاری باید انجام دهد؟ متولی تئاتر در این شهر چه کسی است؟ در تهران یک اداره کل هنرهای نمایشی کنار تالار وحدت وجود دارد که تئاتری‌ها به آنجا مراجعه می‌کنند. در مشهد متولی تئاتر کیست؟ کدام سازمان، توزیع منابع در تئاتر را مدیریت می‌کند؟ هیچ. تا کی ما می‌توانیم در مشهد با اقدامات و تلاش‌های شخصی، کار را پیش ببریم؟ ما به سالن تئاتر هم نیاز داریم اما همه نیاز ما این نیست. تئاتر مشهد به زیرساخت‌های اساسی‌تری از سالن نیاز دارد. خیلی از فسادها به‌خاطر رجوع یک فرد به یک سازمان روی می‌دهد که در این سال‌ها شاهد آن بوده‌ایم. وقتی یک صنف، یک مجموعه یا یک انجمن وجود داشته باشد، دیگر این اتفاق‌ها نمی‌افتد.

اداره ارشاد سعی می‌کند خودش را کنار بکشد

شهرآرا: وجود آن متولی و صنفی که مطالبه همه شماست، کی محقق می‌شود؟
سهیلی: اداره ارشاد خیلی کوچک‌تر از تئاتر است. ما اگر یک اداره تئاتر قوی داشته باشیم، خیلی از مشکلات تئاترمان حل می‌شود. اداره ارشاد قوی، انجمن قوی به‌دنبال دارد و انجمن قوی، گروه تئاتری قوی را به‌دنبال دارد. الان اداره ارشاد همه هم‌وغمش، دفاع دربرابر ترکش‌هایی است که به‌سویش گسیل می‌شود. دائم مراقب است فلان نمایشی که اجرا می‌شود، به ارشاد آسیب نزند. گروه موسیقی‌ای که فعالیت می‌کند، اداره ارشاد را مجبور به پاسخ‌گویی نکند. اداره ارشاد آن‌قدر باید قدرتمند باشد که دربرابر همه کارشکنی‌ها بایستد. این ارشاد است که باید دربرابر هجمه و آسیب‌هایی که به فضای هنری این شهر وارد می‌شود، مقاومت کند. کجا اداره ارشاد این دفاع را از هنر و هنرمند کرده است؟ تئاتر، نشانه فرهنگ جامعه است. برای ارتقای فرهنگ، همه ازجمله شهرداری باید دست‌به‌دست هم بدهند.

درست است که در همه شهرهای صاحب فرهنگ و هنرِ دنیا، شهرداری‌ها پشت آن را گرفته‌اند اما در کشور ما صرفا شهرداری متولی فرهنگ نیست. هنرمندها و دستگاه‌های دیگر هم باید همت کنند و با هم منسجم باشند.
غفاری: در ادامه صحبت آقای مداح‌حسینی باید بگویم مشکلاتی که برای تئاتر مشهد به‌وجود آمده است، به‌خاطر نبود یک صنف حمایت‌کننده است. وقتی تئاتر صدای واحدی ندارد، شهرداری هم باید به طرف ارزاق و تامین مایحتاج اولیه شهروندان برود. تا آن صنف و مجمع وجود نداشته باشد، هیچ نهادی از ما حمایت نمی‌کند. انجمن نمایش که قدرتی ندارد. انجمن یک رابط میان اداره ارشاد و بدنه تئاتر است و نمی‌تواند کار صنفی انجام دهد. اصلا در اساس‌نامه‌اش فعالیت صنفی نیست.
صنف باعث می‌شود کسی به خودش اجازه ندهد در این سازمان و آن نهاد، دنبال منافع شخصی و گروهی باشد. خانه تئاتر تهران را ببینید؛ همه‌چیزش سر جایش است. همه‌چیز برای همه است. تئاتر مشهد هم باید به این سمت برود که یک صنف برای خودش داشته باشد. در مشهد هم دارد اتفاقاتی برای راه‌اندازی خانه تئاتر می‌افتد که امیدواریم هرچه زودتر مقدماتش بگذرد و راه‌اندازی شود.
مداح حسینی: از دیگر مشکلاتی که نبود صنف در تئاتر به‌وجود می‌آورد، ورود بی‌رویه افراد بدون تخصص در این حوزه است. وقتی پای پول وسط می‌آید، این اتفاقات شدت می‌گیرد. خیلی‌ها به تئاتر وارد می‌شوند که تخصصی در این حوزه ندارند. باید افراد خبره تئاتر، نحوه ورود افراد به این حوزه را کنترل کنند تا مثلا شاهد نباشیم متنی را که نویسنده‌ای نوشته است، به نام فردی دیگری ثبت و اجرا شود. این کار صنف است که این مسائل را کنترل کند.
غفاری: مثل ورود افرادی که تحصیلات آکادمیک در رشته تئاتر ندارند. شاید در جامعه افرادی باشند که نمی‌خواهند به‌صورت آکادمیک، هنرهای نمایشی را دنبال کنند و مایلند آن را تجربی فرابگیرند. برای این‌ها در خانه تئاتری که با دوستان حاضر در جلسه، اساس‌نامه‌اش را نوشتیم، تدارکی دیده شده است که به‌مرور اعلام خواهد شد. برنامه‌های آموزشی و درکنار آن همکاری با گروه‌های تئاتر به‌عنوان کارآموز و دستیار دیده شده است. بعد از گذراندن این دوره در خانه تئاتر، می‌توانند عضو خانه تئاتر شوند و به تئاتر ورود یابند و فعالیت خودشان را شروع کنند.

مخاطب برای کار خوب هزینه می‌دهد

این‌طور برداشت می‌شود که با این سازوکار، قرار است دور فضای هنری که به خلاقیت و فکر و ایده نو نیاز دارد، حصار کشیده شود و از ورود افراد مختلف به تئاتر جلوگیری شود؟
مداح حسینی: حصار کشیده نمی‌شود، بلکه هر صنفی نحوه ورود افراد به تئاتر را کنترل می‌کند. کسی که وارد تئاتر می‌شود، باید از حداقل‌ها سر دربیاورد. هدف ما از آنچه در تشکیل صنف تئاتر دنبال می‌کنیم، این است که هر کسی که می‌خواهد وارد تئاتر بشود، باید از معلومات اولیه این هنر آگاهی داشته باشد تا دچار خسارت ثانویه نشود. باید روی افرادی که به تئاتر وارد می‌شوند، نظارت وجود داشته باشد تا مخاطبی که با زحمت و تلاش پیش‌کسوتان تئاتر مشهد به این صحنه روآورده است، با تئاترهای بی‌کیفیت و الکی که این روزها شاهدش هستیم، پس زده نشود. این صنف‌ها باعث می‌شوند اگر کسی می‌خواهد وارد تئاتر بشود، با یک آمادگی و پیش‌زمینه درست وارد شود.
غفاری: در همین شهر افرادی هستند که تخصص دارند اما نمی‌دانند چطور باید وارد تئاتر شوند و افرادی هم هستند که بدون سواد، وارد تئاتر شده‌اند و اجازه ورود نیروهای متخصص را نمی‌دهند. صنوف یادشده برای جلوگیری از این اتفاقات است. ازطرفی افرادی که می‌خواهند پا به عرصه تئاتر بگذارند، باید بتوانند یک تئاتر خوب را از یک تئاتر بد تشخیص دهند. همین‌طور باید جلوی افرادی که کار بد یا ضعیف ارائه می‌کنند، گرفته شود. اگر ما بخواهیم مخاطب همچنان برای تماشای تئاتر هزینه کند، باید کار خوب برایش اجرا کنیم و این وظیفه صنف است که از همه این‌ها مراقبت کند.
مینایی: تشکیل صنف برای تئاتر و تشکیل خانه تئاتر، حرکتی بسیار آرمانی است اما در عمل کار سختی است. باید افراد کارکشته در بطن کار قرار بگیرند. افرادی که پشتوانه کاری و اندیشه و سواد دارند و معتمد همه هستند، باید کارها را به دست بگیرند. الگوهای مختلفی در این حوزه وجود دارد که در تئاتر کشور هم نمونه‌هایش اجرا شده و ناکارآمد بوده است. باید با دقت‌نظر و همه‌جانبه‌نگری، کار را پیش برد و خانه تئاتر و صنوفی که زیرمجموعه آن راه می‌افتد، کارآمد باشد و این‌طور نباشد که یک تشکیلات دیگر همانند انجمن هنرهای نمایشی راه بیفتد.

حمیدرضا سهیلی:
اداره ارشاد همه هم‌وغمش، دفاع دربرابر ترکش‌هایی است که به‌سویش گسیل می‌شود. دائم مراقب است فلان نمایشی که اجرا می‌شود، به ارشاد آسیب نزند

احمد مینایی:
تشکیل صنف برای تئاتر و تشکیل خانه تئاتر، حرکتی بسیار آرمانی است اما در عمل کار سختی است. باید افراد کارکشته در بطن کار قرار بگیرند

سیدمحمد مداح‌حسینی:
باید روی افرادی که به تئاتر وارد می‌شوند، نظارت وجود داشته باشد تا مخاطبی که با زحمت پیش‌کسوتان به تئاتر روآورده است، پس زده نشود

امیرحسین غفاری:
در همین شهر افرادی هستند که تخصص دارند اما نمی‌دانند چطور باید وارد تئاتر شوند و افرادی هم هستند که بدون سواد، وارد تئاتر شده‌اند

پیگیری

انجمن هنرهای چنددستگی!

تلاش موافقان و مخالفان برای برگزاری انتخابات انجمن هنرهای تجسمی ادامه دارد

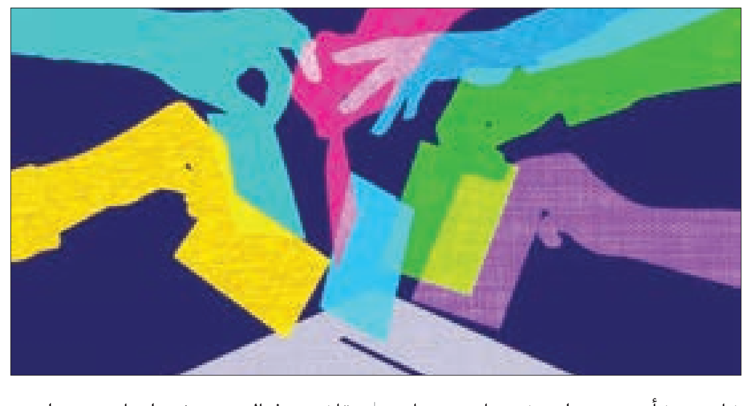

گروه هنر| انتخابات هیئت‌مدیره انجمن هنرهای تجسمی قرار بود در تاریخ ۱۱مهر برگزار شود که به‌علت به حد نصاب نرسیدن شرکت‌کننده‌ها، رسمیت پیدا نکرد و به هفته بعد با هر تعداد شرکت‌کننده موکول شد. این بی‌رغبتی هنرمندان برای پذیرش مسئولیت انجمن درحالی است که معاون هنری‌سینمایی اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان می‌گوید عزمش را برای سپردن مدیریت هنرهای تجسمی به هنرمندان، جزم کرده است و از همه هنرمندان رشته‌های هنرهای تجسمی، خواسته است که خودشان را پنجشنبه این هفته به مجتمع فرهنگی‌هنری امام‌رضا(ع) برسانند تا انتخابات هیئت‌مدیره این انجمن با حداکثر آرا برگزار شود و ازطرفی کشمکش میان هنرمندان برای حضور یافتن یا نیافتن در انتخابات ادامه دارد. در بیانیه تعدادی از هنرمندان هنرهای تجسمی که به‌طور اختصاصی در اختیار شهرآرا قرار داده‌اند و خود را «کاندیداهای انتخابات» انجمن هنرهای تجسمی خراسان رضوی معرفی کرده‌اند، از وضع مدیریت انجمن هنرهای تجسمی در سال‌های اخیر گلایه کرده و از عموم هنرمندان خراسانی خواسته‌اند که در انتخابات هیئت‌مدیره شرکت کنند و به حرف مخالف‌ها و بهانه‌گیرها گوش ندهند. در بخشی از این بیانیه که به امضای مانیا فروتن، کاندیدای هنرهای جدید، مهدی زابل‌عباسی، کاندیدای عکاسی، مهدی اشراقی، کاندیدای گرافیک، لاله خرازیان، کاندیدای تصویرسازی، قدیر وقاری، کاندیدای کاریکاتور، حسن شجاعی، کاندیدای سفالگری، امین قوی‌اندام، کاندیدای مجسمه، حسین قائمی، کاندیدای خوش‌نویسی و محمودرضا سلیمانی، کاندیدای نگارگری رسیده، آمده است:
«... عده‌ای از هنرمندان نقاش که قبلا در انجمن هنرهای تجسمی مسئولیتی داشته‌اند ولی نتوانسته‌اند آن‌چنان که باید و شاید در شأن هنرمندان رشته‌های هنرهای تجسمی و حتی در شأن هنرمندان رشته نقاشی فعالیتی درخور انجام دهند، امروز که عده‌ای از هنرمندان رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی دورهم گرد آمده‌اند و با تلاش مسئولان قصد کرده‌اند که این کشتی به گل‌نشسته را به ساحلی برسانند که نه برای یک رشته بلکه برای همه رشته‌ها، ساحل امن‌تری باشد، هنرمندان و دست‌اندرکاران قبلی با مخالفت‌ها و بهانه‌ها و خرده‌گیری‌های ناعادلانه و غیرمنصفانه قصد دارند حرکتی را که بر صراط قانون می‌رود، زیر سؤال برده، باعث اختلال در این امر شوند. اگرچه آنچه اتفاق افتاده و می‌افتد، در راه قانونی و درست و خلل‌ناپذیر است اما ما هنرمندان رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی، حمایت قاطع خود را از این حرکت و انتخابات و هیئت موسس انجمن هنرهای تجسمی ابراز می‌داریم...».
هرچند امضاکنندگان این بیانیه، به طور علنی، خود را کاندیدای رشته‌های مختلف هنری معرفی کرده‌اند، بارها در جلساتی که مسئولان ارشاد برگزار کرده‌اند، حضور فعال داشته‌اند.
با این حال ۵۷نفر از هنرمندان مشهدی، مخالفت خود را با روند انتخابات انجمن هنرهای تجسمی خراسان رضوی اعلام کرده ولی هیچ‌کدام از آن‌ها مشخص نکرده‌اند که به چه علت با این روند مخالفند و همچنین پیشنهادی برای اصلاح این روند نداده‌اند.
به نظر می‌رسد چنددستگی موجود در جامعه هنری مشهد، درمیان هنرمندان هنرهای تجسمی بیشتر است، تاجایی که آن‌ها حتی حاضر نیستند در یک انتخابات برای به دست گرفتن کارهای خود شرکت کنند؛ البته این بی‌اعتمادی درمیان هنرمندان انجمن هنرهای تجسمی می‌تواند ریشه در عملکرد هیئت‌مدیره پیشین داشته باشد. باید منتظر ماند و دید هنرمندان نزدیک به اداره فرهنگ و ارشاد استان که تلاش می‌کنند انتخابات را رونق بدهند، موفق می‌شوند اوضاع آن «کشتی به گل‌نشسته» را سامان دهند یا همچنان اوضاع این انجمن بر همان منوال، ادامه خواهد یافت.

«فیلمرغ» به کارگردانی امیرمسعود سهیلی، سینماگر مشهدی، برنده تندیس بهترین فیلم کوتاه داستانی از دومین جشنواره بین‌المللی flumicino ایتالیا شد.